

## نقش مشارکت مردمی در توسعه محله‌ای (مطالعه موردی: محله داوودیه - منطقه ۳ تهران)

علی موحد - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

movahed@khu.ac.ir

مریم عبادی - کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۹/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۵/۰۱

### چکیده

پیشبرد توسعه محلی و پاسخ‌گویی به مسائل متنوع اقتصادی، اجتماعی، مالی، ارضی، آموزشی و... شهروندان در محله‌های شهری، نیازمند «مشارکت اجتماعی شهروندان» و «بهره‌گیری از ظرفیت‌های نهادها و سازمان‌های مردم‌نهاد» می‌باشد. در این راستا پژوهش حاضر باهدف نقش مشارکت مردمی در توسعه محله‌ای در محله داوودیه - منطقه ۳ تهران تدوین شده است. روش جمع‌آوری اطلاعات بر مبنای کتابخانه‌ای و میدانی (پرسش‌نامه‌ای) و نوع تحقیق تحلیلی - اکتشافی می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. روش آماری مورد استفاده در این پژوهش ضریب همبستگی پیرسون می‌باشد. نتایج حاصل از آزمون فرضیات تحقیق نشان داد که هرچند به دلیل رد فرضیات تحقیق، نمی‌توان به صورت قاطع بیان داشت که می‌توان با تقویت مشارکت محله‌ای به توسعه محله‌ای دست یافت، اما به سبب معناداری یا نزدیک به معنادار بودن برخی از مؤلفه‌های مشارکت محله‌ای می‌توان بیان داشت توجه به مشارکت محله‌ای شرط انکارناپذیر تحقق عینی مفهوم توسعه محله‌ای است، یعنی دستیابی به پایداری در توسعه محله‌ای بدون توجه به پتانسیل‌های نهادی و انسانی و بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های گروهی و فردی امری غیرقابل اجراست.

واژگان کلیدی: مشارکت اجتماعی، شورایاری محله، توسعه محله‌ای، محله داوودیه، منطقه ۳ تهران

## مقدمه

روند رو به رشد جمعیت و شهرنشینی و بروز مشکلات متعدد اجتماعی، اقتصادی از یک سو و ناکارآمد بودن روش‌های مدیریت و کنترل توسعه شهری از سوی دیگر، شهرهای نابسامان و ناپایداری را خلق نموده است که از اصلی‌ترین علت ایجاد چنین نابسامانی و ناپایداری چالش‌های مدیریتی است در این میان نبود مدیریت شهری و بخصوص شکل نگرفتن مدیریت مشارکت عمومی که مبتنی برکنش متقابل و فعالانه تمامی ذینفعان و بازیگران کلیدی دخیل در مدیریت توسعه شهری است (قهرمان پور، ۱۳۹۳: ۲). امروزه، مشارکت شهروندی مفهوم جدیدی نیست، در فرایند تاریخی، مشارکت مفهومی است که بر اساس شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شکل گرفته (میر موسوی، ۱۳۷۵: ۱۶) و ریشه‌های آن را می‌توان در دولت‌شهرهای یونان باستان جستجو کرد. در عصر حاضر، هم‌زمان با مهم شدن نقش مردم در جامعه، مشارکت در عرصه سیاست و اجتماع در قالب اعطای حق رأی مساوی به همه شهروندان و حق تشکیل گروه‌ها و انجمن‌های مدنی مجال ظهور یافت. در حال حاضر مشارکت شهروندان در امور سیاسی و اجتماعی، اصل پذیرفته‌شده در تمام کشورهای توسعه‌یافته و بسیاری از کشورهای در حال توسعه است (حبیبی و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۶) و به‌عنوان یک رویکرد مدیریتی از پایین به بالا در امور شهری برای فعال کردن اعمال نظارت همگانی بر توسعه جامعه تلقی می‌شود (Momeni et al, ۲۰۱۱: ۶۶).

مدیریت در سطح محله، حلقه پیوند شهروندان و مدیریت شهری است. چنانچه برای بهبود اداره شهرها پذیرفته‌شده باشد که مشارکت تمامی کنشگران توسعه شهر اعم از بخش‌های دولتی و خصوصی و جامعه مدنی ضروری است، مدیریت در این سطح بستر گشای همیاری تمامی کنشگران شده و فرهنگ‌سازی اداره مردم‌سالارانه تحقق می‌یابد و زمینه توسعه پایدار محله‌ای را فراهم می‌کند (صرافی، ۱۳۸۳: ۴). آنچه در رویکرد توسعه محله‌ای هدف غائی به شمار می‌رود، مردم و تأمین نیازهای اولیه و اساسی آنان با توجه به محیط زندگی آن‌هاست. این هدف جز از طریق ارج نهادن به جایگاه مشارکت جمعی در قالبی نظام‌یافته میسر نیست. از آنجاکه محلات شهری، کوچک‌ترین واحد سازمان فضایی در تقسیمات نظام فضایی شهر محسوب می‌شوند، لذا اجتماعات محلی در شهرها، بهترین کانون و کارگاه مدیریت و برنامه‌ریزی مشارکت بوده و بیش‌ترین انسجام اجتماعی و مکانی را در بین سایر رده‌های سازمان فضایی شهر دارا هستند. با رشد عظیم شهرها و نقش چندگانه‌ای که ایفاء می‌کنند، برنامه‌ریزی، سرمایه‌گذاری و مدیریت شهرها را به طرز شگفت‌انگیزی پیچیده و دشوار ساخته است (فنی و صارمی، ۱۳۹۲: ۳۶).

یکی از مسائل مهم در برنامه‌ریزی شهری کشور، بحث مشارکت پایدار مردم در بخش‌های مختلف شهری است. اصولاً اگر قرار باشد مشارکت را در یک رویکرد عمل‌گرایانه به عرصه برنامه‌ریزی شهری وارد کنیم، باید این مشارکت در محیط اجتماعی و اقتصادی و در همه رفتارها و فعالیت‌های روزانه افراد و ساکنین شهری تعیین و تبیین شود. امروزه باید پذیرفت که مشارکت مردم در برنامه‌ریزی شهری نقشی مبهم و ناکارآمد دارد که البته این محصول سالیان متمادی برنامه‌ریزی متمرکز و دولتی است و برای رفع این معضل هم باید راهی سخت و ناهموار را طی کرد. در غیر این صورت تنها باید به موفقیت‌های محدودی امیدوار بود. چون راه‌کارها و ابزارهای مؤثر برای رسیدن به مشارکت هنوز در نظام تصمیم‌گیری و اجرایی برنامه‌ریزی وارد نشده است. یکی از روش‌های پذیرفته‌شده در مدیریت محلی و منطقه‌ای جهت تحقق هدف‌های

موردنظر، ایجاد، توسعه و تقویت سازمان‌های محلی است که به‌عنوان یک نظریه در مبحث برنامه‌ریزی شهری مورد مطالعه قرار می‌گیرد و البته تجربه موفق‌تری هم در کشورهای پیشرفته از آن منتج شده است. با توجه به این عوامل، پژوهش حاضر باهدف نقش مشارکت مردمی در توسعه محله‌ای در محله داوودیه- منطقه ۳ تهران تدوین شده و پژوهشگران در آن سعی دارند به سؤالات اصلی این پژوهش پاسخ دهند: آیا شکل‌گیری نهاد مدیریت محله‌ای (شورایاری) در افزایش مشارکت مردمی نقش داشته است؟ آیا بین رضایت‌مندی از اقدامات شهرداری با مشارکت مردمی رابطه معناداری وجود دارد؟

## مبانی نظری

**محله:** محله بخشی مشخص از یک ناحیه یا حوزه شهری است با ویژگی اجتماعی و اقتصادی معین و از نظر کالبدی، محله پایین‌ترین رده تقسیمات شهری می‌باشد که محل سکونت و اشتغال ۷۰۰ الی ۱۲۵۰ خانوار با دامنه نوسان شعاع دسترسی ۳۰۰ الی ۳۷۵ متر (۴ تا ۵ دقیقه) است و با عنصر شاخص فرهنگی مسجد، آموزشی دبستان تعریف می‌شود. هر محله با شبکه سواره‌رو دور محله‌ای از سایر محلات جدا می‌شود (زیاری، ۱۳۸۱: ۵۰). محله شهری مکانی است که ویژگی‌های آن فضا و شرایطی را برای انجام تعاملات صمیمی و نزدیک فراهم می‌آورد (مافی و رضوی، ۱۳۹۱: ۱۲۰). از نظر معصومی (۱۳۹۰)، محله مفهومی جغرافیایی و اجتماعی است. از نظر فیزیکی قسمتی از شهر است که به‌وسیله مرزهایی مشخص شده است که این مرزها می‌توانند شبکه راه‌ها، راه‌آهن، رودخانه‌ها، کانال‌ها و فضاهای باز باشند و دارای گونه‌های یکسانی از واحدهای مسکونی است و یک مرکز تجاری یا مذهبی در مرکز آن قرار دارد، از نظر اجتماعی دارای ساکنانی است از نظر طبقه اجتماعی یا قومیت دارای تشابه باشند.

**مشارکت مردمی:** واژه مشارکت از حیث لغوی به معنای درگیری و تجمع برای منظور خاص می‌باشد. در مورد معنای اصطلاحی آن بحث‌های فراوانی شده است. برخی از صاحب‌نظران مدیریت، تعریف زیر را برای مشارکت ارائه نموده‌اند: مشارکت درگیری ذهنی، عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۱۵). در دایره‌المعارف برنامه‌ریزی شهری مشارکت عمومی این‌گونه تعریف شده است: «مشارکت عمومی در شهرسازی ابزاری است که به‌وسیله آن اعضای جامعه قادر می‌شوند تا در تدوین سیاست‌ها و طرح‌های که بر روی محیط زندگی آن‌ها مؤثر هستند شرکت کنند» (حسینی، ۱۳۸۲: ۱۵). به‌طور خلاصه مشارکت مردم عبارت است از: فرایند و حق اساسی که در طی آن مردم عاقلانه و با آگاهی، اراده و رغبت در زمینه امری خاص با قبول گوشه‌ای از مسئولیت آن به‌طور گروهی سعی در ارضای نیازهای روحی و روانی فردی و گروهی خود در همیاری جهت رسیدن به اهداف پیش تعیین‌شده بر اساس نیازهای واقعی اولویت‌بندی شده با در نظر گرفتن امکانات و محدودیت‌ها جهت یافتن هویت فردی و جمعی در جامعه می‌باشد. حال اگر محدوده مشارکت را شهر در نظر گرفته و نوعی از برنامه‌ریزی فرایند نگر با چارچوبی مشارکتی را مدنظر قرار دهیم و عواملی چون عدالت اجتماعی قانون، توسعه پایدار،... را در آن دخیل کنیم، برنامه‌ریزی شهری (مشارکتی) مشارکتی را خواهیم داشت. گاهی فرآیندهای مشارکتی منجر به توسعه اجتماعات محلی شده و منجر به توسعه از پایین به بالا می‌شود که زیربنای آن

سازمان‌دهی اجتماعات محلی و بسیج قابلیت‌های درون‌زای اجتماعی بوده که خود عامل بهره‌گیری از سرمایه‌های اجتماعی می‌شود (فنی و صادقی، ۱۳۸۸: ۶۱).

**توسعه محله‌ای:** توسعه محله‌ای بیانگر فرایندی است که بر اساس آن سرمایه‌ای که اجتماع به‌صورت بالقوه قادر به جمع‌آوری و استفاده از آن‌هاست، افزایش می‌یابد تا با کمک آن‌ها کیفیت زندگی مردم محله را بهبود بخشد. در جریان این فرایند، اشکال جدیدی از سازمان اجتماعی و کشش جمعی پدیدار می‌شود تا به ترمیم و اصلاح نابرابری‌های موجود در زمینه توزیع قدرت و منابع بپردازد. لذا می‌توان گفت توسعه محله‌ای شامل کلیه مسائل مرتبط با مسکن، توسعه اقتصادی، مشارکت شهروندان، رفاه اجتماعی، احساس امنیت، ارتقاء آموزش و مسائل زیست‌محیطی است که میان تمامی این عناصر نیز ارتباط متقابلی وجود دارد (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۵: ۶۰). از دیدگاه توسعه محله‌ای، محله باید بتواند با در نظر گرفتن توان زیست‌محیطی، به نیازهای اقتصادی و اجتماعی ساکنانش پاسخ گوید. توسعه محله‌ای نوعی تغییر در شیوه‌های مدیریت محلی است که افزایش کنترل محلی مردم را بر تصمیم‌گیری‌ها تشویق می‌کند. در سطح کلان، توسعه اجتماع محلی از طریق توانمندسازی خود برای تصمیم‌گیری، اجرا و حل مسائل و مشکلات و چالش‌هایی که مردم با آن مواجه هستند، سعی در حل مشکلات شهر دارد (معمار، ۱۳۹۰: ۱۱۲). در این زمینه کاظمیان و همکاران (۱۳۹۰)، بیان کردند که محله پایدار دارای هویت مختص به خود می‌باشد، سکوتی شاد و سرزنده را برای اهالی خود مهیا می‌کند، ساکنین محله نسبت به آن احساس تعلق و دل‌بستگی دارند، از کیفیت بالای زندگی و محیط‌زیست برخوردار است، به اهالی خود خدمات مناسبی را ارائه می‌دهد و از دسترسی مناسبی برخوردار است (کاظمیان، ۱۳۹۰: ۸).

به عقیده دنیل. اچ. استروب در کتاب «توسعه در سازمان‌دهی شهرداری» دیدگاه‌های فلسفی در زمینه مشارکت مردمی را می‌توان به چهار نظریه تقسیم نمود که عبارت‌اند از:

**نظریه همراه ساختن:** در این دیدگاه به این دلیل که اصولاً ساکنین محلی و مردم قادر نیستند نقش سازنده‌ای در جهت انجام پروژه‌ها ایفا نمایند، لذا مشارکت آنان تنها در جهت کاهش ضدیت آنان با انجام پروژه‌ها از طریق دخالت صوری آن‌ها می‌تواند باشد. به عبارت دیگر همراه ساختن ظاهری (و نه واقعی) مردم در امر مشارکت جهت جلوگیری از ایجاد موانع توسط آن‌ها در اجرای طرح‌ها و برنامه‌های شهری در آینده (حنای و مرادی مسیحی، ۱۳۸۰: ۲۲۰).

**نظریه مشورتی:** بر اساس این دیدگاه برخلاف نظریه همراه ساختن بر این عقیده است که ارزش‌هایی که از سوی برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در زمینه منافع عموم مطرح می‌گردد، اصولاً ارزش‌هایی که به طبقه متوسط تعلق داشته (دیدگاه غرب) و نمی‌تواند جوابگوی نیازهای اقتصاد پایین جامعه باشد؛ لذا ارتباط با مردم و شهروندان جهت آشنایی با افکار و ارزش‌های آن‌ها یکی از مقتضیات برنامه‌ریزی می‌باشد. نظریه مشورتی بر سه روند تأکید دارد که عبارت‌اند از:

الف: اطلاع‌رسانی به ساکنین در مورد گزینه‌های موجود

ب: اخذ نظرات شهروندان

ج: لحاظ نمودن افکار جامعه در طرح و یا برنامه‌های نهایی

**نظریه درمان آموزشی - اجتماعی یا مدل یادگیری اجتماعی:** ارتقاء وضعیت شهروندان از طریق آموزش که از طریق مشارکت به آن‌ها داده می‌شود و تربیت شهروندان مسئول که بتوانند با آزادی و دموکراسی که در اختیارشان قرار می‌گیرد سرنوشت خودشان را به سمت بهینه‌ای رهنمون کنند. اساس این نظریه در واقع دموکراسی می‌باشد، افراد معتقد به این نظریه بر این باورند که مشارکت مردمی زمینه آموزش مناسبی جهت تربیت شهروندان در محله یا محدوده‌ای که مشارکت در آن صورت می‌پذیرد مهیا می‌سازد و بر این اصل استوار است که تنها با مشارکت دادن و دخیل نمودن ساکنین محلی در برنامه‌ها می‌توان بر آن‌ها تأثیرگذار بود و شهروندان می‌توانند با آموزش قدرت بهبود بخشیدن به وضعیت خود را به دست بیاورند. به عبارت دیگر دخالت مردم در سرنوشت خودشان (در محله) باعث بهبود وضع آن‌ها خواهد بود. این مدل را به «مدل یادگیری اجتماعی» نیز می‌نامند. از مبتکران این نظریه می‌توان جان فریدمن را نام برد که معتقد است باید بین برنامه‌ریزان به عنوان وکلای مردم و مردم به عنوان موکلین فاصله‌ها حذف شوند و زبان علمی برنامه‌ریزان به مردم و زبان واقعیت‌های علمی مردم به برنامه‌ریزان آموزش داده شود و این کار از طریق ارتباط رودررو و شفاهی بین برنامه‌ریز و مردم، فاصله این دو قشر را از بین می‌برد (Andrews & Herschel, 1997: 68).

**نظریه قدرت جامعه:** بر اساس این نظریه افراد و جوامعی که به دلایل مختلف از کانون قدرت اجتماعی (و همچنین مزایایی که حاصل از قدرت اجتماعی می‌باشد) به دور افتاده‌اند، بایستی بتوانند در سیاست‌گذاری‌ها دخالت داشته و دخیل باشند. این نظریه به طور کلی به صورت رادیکال مطرح شده و با نظریه‌های دیگر متفاوت است. بر اساس این نظریه به طور عمده دو رویکرد در عملکرد و نقش حکومت‌های محلی وجود دارد رویکرد اول: باهدف افزایش کنترل شهروندان سعی در ایجاد پایگاه قدرت سیاسی به شرح زیر می‌باشد. رویکرد دوم: می‌باید در مردمی‌تر نمودن هر چه بیش‌تر حکومت‌های محلی از طریق جای دادن افراد محلی در هیئت‌های سیاست‌گذاری مستقل در مناطق کم‌درآمد از طریق ایجاد سازمان‌های همسایگی دارد (مرادی، ۱۳۷۹: ۸۵-۸۴).

**برنامه‌ریزی شهری و توسعه محله‌ای:** در جریان گذر از مفهوم سنتی برنامه‌ریزی شهری مفاهیم جدیدی شکل گرفته که ماهیتاً از تبار علوم چون جامعه‌شناسی و حتی روان‌شناسی هستند و بدین سان زایش معنی میان‌رشته‌ای برنامه‌ریزی شهری را سبب گردیدند. اکنون دیگر وظیفه برنامه‌ریز شهر در تلاش برای پاسخ‌گویی به نیازها و خواسته‌های کالبدی - کارکردی شهروندان خلاصه نمی‌شود، بلکه با طرح مفاهیم کیفیت زندگی، رفاه اجتماعی، عدالت اجتماعی، برنامه‌ریز شهر مسئول پاسخ‌گویی به نیازهای روانی - محیطی، اجتماعی و اقتصادی شهروندان از قبیل رضایت، شادمانی، مسکن و کیفیت نیز می‌باشد (خاکپور و همکاران، ۱۳۸۸، ۶۴). توجه به این نیازها در سطح کلان و شهر مقیاس کاری بس دشوار و هزینه‌بر و حتی تا حدودی غیرممکن و شعاری است. لذا باید در مقیاس کوچک‌تر و محسوس‌تر به این نیازها پرداخت. این رویکرد نوین محلات شهری را بهترین مقیاس برای اعمال مفاهیم جدید برنامه‌ریزی شهری می‌داند (موسوی، ۱۳۸۵: ۸۸). بدین ترتیب به کارگیری محله در نظام طراحی و برنامه‌ریزی شهری برای تبدیل شدن آن‌ها به عنصری جدایی‌ناپذیر در ساختار شهری الزامی است (موسوی، ۱۳۸۵: ۸۸). به این شکل پس از مدت‌ها بار دیگر توجه به محله‌ها و جوامع خرد شهری در دستور کار برنامه‌ریزان شهری قرار گرفته است. علل این تمایل ریشه در آن دارد که محله را وسیله‌ای برای مدیریت شهری، توسعه

پایدار، کارکرد بازار، ایجاد تمایز، فرار از ناشناخته‌ها و تشویق انسجام اجتماعی قلمداد می‌کنند (مدنی پور، ۱۳۸۳: ۲).  
عسگری با تلفیق این مفاهیم یک ماتریس پانزده خانه‌ای ارائه نموده است که هر یک از گروه‌ها و دست‌اندرکاران بنا به تخصص خود یکی از روش‌های شانزده‌گانه را می‌توانند به کار ببرند.

جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری با توجه به ماهیت مکان‌گرای خویش می‌تواند بر برداشت مکانی از اجتماع محله‌ای تأکید نموده و در توسعه اجتماع محله‌ای به‌عنوان محله به روش ترکیبی از این مفاهیم تکیه کند.

جدول ۱- ترکیب شانزده‌گانه رویکردهای توسعه محله‌ای و مفاهیم اجتماع محله‌ای و نمونه‌ای از کاربردها (منبع: خاکپور، ۱۳۸۸: ۶۵)

مفهوم اکولوژیکی اجتماع محلی	مفهوم مکانی اجتماع محلی	مفهوم اقتصادی اجتماع محلی	مفهوم اجتماعی اجتماع محلی
مفهوم ایدئولوژیک توسعه اجتماع محلی	انجمن‌های صنفی	احزاب سیاسی	گروه‌های طرفدار محیط‌زیست
مفهوم علمی	مکتب جامعه‌شناسی شهری	برنامه‌ریزی شهری و علوم مکان‌گرا	مکتب اکولوژی اجتماعی
مفهوم سیاست‌گذاری توسعه اجتماع محلی	دولت‌های منطقه‌ای	دولت‌های محلی	دولت‌های محلی
مفهوم پروژه‌های توسعه اجتماع محلی	بخش تجاری و مالی	بخش مسکن و خدمات عمومی	بخش بهداشت

### پیشینه پژوهش

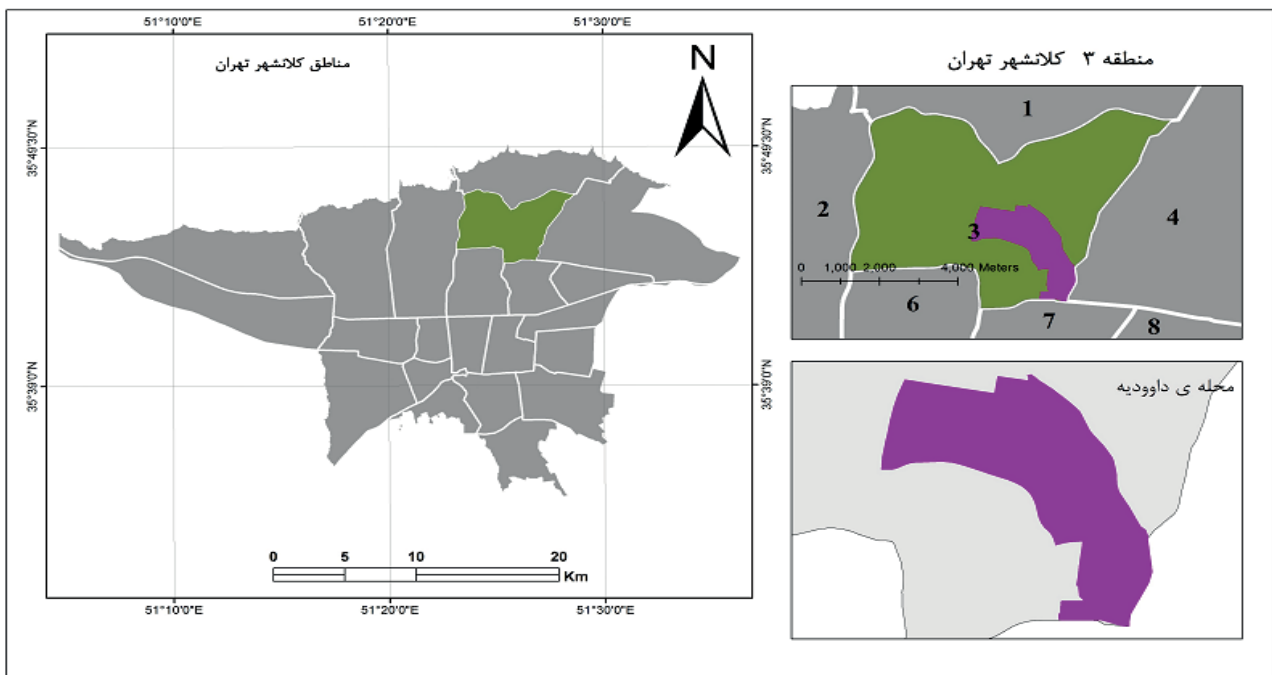
با توجه به اینکه نقش مشارکت شهروندان در توسعه محله مورد توجه می‌باشد، در زیر مطالعات انجام شده در سال‌های اخیر در این رابطه به‌طور خلاصه آورده می‌شود: لنزی و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی تحت عنوان «ارتباط اجتماعی محله و مشارکت مدنی نوجوانان» یک مدل یکپارچه و باهدف توسعه یکپارچه اجتماعی محله‌ای و شیوه‌های مختلف جوانان مشارکت مدنی در یک شهر متوسط اندام ایتالیا نشان دادند که سطح مشارکت نوجوانان در امور محله‌ای نسبتاً بالا است و ارتباط بین نسلی بین نوجوانان و بزرگسالان سطحی بالا را نشان می‌دهد و این عوامل به تأثیر سیستم‌های اجتماعی در پرورش تعامل مدنی نوجوانان کمک می‌کند (Lenzi and et al, ۲۰۱۳:۴۵). مگ‌گی (۲۰۱۱) در تحقیقی با عنوان «مشارکت عمومی در سطح محله، آمادگی برای کاهش خطر آتش‌سوزی» مطالعه موردی کانادا، ایالات متحده و استرالیا و با مشارکت ۱۹ خانواده به‌صورت نیمه ساختاری نشان داد که باوجود اختلاف بین سه برنامه در کشور مورد مطالعه، مشارکت شهروندی به دلایل تجربه مقابله با آتش‌سوزی، دخالت نهادهای مسئول و حفاظت شخصی از خانواده مورد استقبال قرار گرفت. نتایج این برنامه‌ها به کاهش ریسک آتش‌سوزی و افزایش انعطاف‌پذیری بین جامعه و روابط بین ساکنان و سازمان‌های دولتی کمک می‌کند (McGee, ۲۰۰۱:۲۵۲۴). سعیدی و همکاران (۲۰۱۲) در تحقیقی با عنوان «تنوع برای کیفیت بهتر زندگی

اجتماعی» مطالعه در محلات فاماگوستا بامطالعه مفهوم تنوع درون محله‌ای نشان دادند که در محله‌های شهر فاماگوستا که به تازگی توسعه یافته‌اند فقدان تنوع در اشکال زندگی مشاهده می‌شود. همچنین در محله‌های مورد مطالعه به دلیل افزایش وابستگی آشکار به ماشین تا حد زیادی مانع استفاده از دوچرخه در درون محلات شده است (Saeidi et al, 2012). کلانتری و رسولی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «امکان‌سنجی مشارکت شهروندان در مدیریت و توسعه پارک‌های محله‌ای شهر تهران» نشان دادند که میزان تمایل به مشارکت در حد متوسط به بالا است. از میان عوامل مؤثر بر تمایل به مشارکت، عواملی چون گرایش به رفتار مشارکتی، تصور فرد از مهارت و تخصصش، میزان زمان اختصاصی و مشارکت در قبال مشوق مالی بیش‌ترین تأثیر را بر متغیر تمایل به مشارکت داشته‌اند. غفاری گیلانده و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «سطح‌بندی مشارکت‌های شهروندی محله مدار در نظام مدیریت شهری (مطالعه موردی: شهر بوکان)» با روش پژوهش توصیفی تحلیلی نشان دادند که شهروندان از میزان مشارکت در سطح محلات سکونت خود راضی نیستند که این نشان‌دهنده عدم مشارکت مردم در کارهای صورت گرفته در محدوده محله خود است. تیمور نژاد و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله خود با عنوان «نقش مدیریت محله در جلب مشارکت اجتماعی» با روش پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی - همبستگی نشان دادند که رابطه دو متغیر و تأثیر مدیریت محله در مشارکت اجتماعی شهروندان رابطه معنی‌داری وجود داشته و این رابطه در سطح آلفای کم‌تر از ۰/۰۱ معنی‌دار می‌باشد. این رابطه بین مؤلفه‌های عمرانی، برنامه‌های ایمنی، رفاه اجتماعی و نظارتی با مدیریت محله در سطح آلفای کمتر از ۰/۰۱ معنی‌دار می‌باشد. رفیعیان و همکاران (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «ادراک ذهنی ساکنین محله از فرایند مشارکتی توسعه (نمونه موردی: محله جلفا- تهران)، با استفاده تکنیک مصاحبه عمیق» نشان دادند که یکی از دلایل اصلی عدم وجود روابط اجتماعی در میان ساکنین محلات، عدم وجود فضاهای محلی و اجتماعی است که از طریق آن بتوان زمینه ایجاد تعاملات و شبکه اجتماعی قوی و انگیزه لازم در ساکنین محلی برای مشارکت در طرح‌های محلی را ایجاد نمود.

### روش پژوهش

محدوده زمانی پژوهش سال ۱۳۹۳ و محدوده مکانی محله داوودیه می‌باشد. محله داوودیه محله‌ای با سابقه دیرین است که یکی از نمادهای معروف آن بلوار میرداماد می‌باشد. میرزا آقاخان نوری صدراعظم، این اراضی را برای پسرش میرزا داوود خان خریداری و آن را توسعه داد. این محله در ابتدا ارغوانیه نام داشت و بعدها به دلیل ذکر شده داوودیه نام گرفته است. هرچند بسیاری از اراضی داوودیه مسکونی شده است اما هنوز بخش‌هایی از تپه‌های آن به صورت جنگل‌کاری مورد استفاده ورزشی شهروندان می‌باشد. مراکز خرید و فروشگاه‌های آن در تهران مشهورند و از نظر ساخت‌وساز از تراکم بالایی برخوردار است. با توجه به آخرین سرشماری که در سال ۱۳۹۰، محله داوودیه دارای ۲۶۴۴۳ نفر جمعیت است که از شمال به خیابان شهید دستجردی (ظفر)، از جنوب به خیابان میرداماد، از شرق به خیابان دکتر شریعتی و از غرب به بزرگراه مدرس منتهی می‌شود (سند راهبردی توسعه محله داوودیه، ۵۹-۱۳۹۱: ۱) شکل (۱).





شکل شماره ۱- محدوده جغرافیایی محله داودیه در منطقه ۳ کلان‌شهر تهران

پژوهش حاضر از لحاظ نوع شناختی و روش پژوهش آن توصیفی-تحلیلی است و برای ارزیابی نقش مشارکت مردمی در توسعه محله‌ای از روش پیمایشی (پرسش‌نامه) استفاده شده است. اطلاعات اولیه این پژوهش از منابع کتابخانه‌ای مرتبط با متغیرهای پژوهش (اقدامات شورایاری، رضایت مردم از اقدامات شهرداری و مشارکت مردمی) جمع‌آوری گردیده و داده‌های عمده در ارتباط با موضوع تحقیق در قالب پرسش‌نامه از طریق توزیع در میان جامعه آماری (شهروندان محله داودیه منطقه ۳) به صورت تصادفی ساده به دست آمد. جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق شامل جمعیت منطقه (۲۶۴۴۳ نفر) می‌باشد. حجم نمونه در سطح ۹۵ درصد اطمینان در با فرمول کوکران (حافظ نیا، ۱۳۸۰: ۱۱۷) برابر با ۳۷۹ خانوار مشخص گردید:

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left( \frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)} \quad n = \frac{\frac{(1.96)^2 (0.7)(0.3)}{(0.05)^2}}{1 + \frac{1}{26443} \left( \frac{(1.96)^2 (0.7)(0.3)}{(0.05)^2} - 1 \right)} = 379$$

در این فرمول،  $n$  تعداد نمونه مورد نیاز،  $t$  اندازه متغیر در توزیع طبیعی،  $q$  نسبت بقیه واحدها حجم جامعه آماری،  $p$  نسبت واحدهای دارای صفت مفروض و  $d$  سطح اطمینان مورد نظر یا اشتباه پذیرفتنی را نشان می‌دهد (گودرزی، ۱۳۸۸: ۶۵). گروه هدف در این پژوهش شامل پاسخ‌گویان در سطح محله داودیه منطقه ۳ کلان‌شهر تهران بوده که دامنه سنی آن‌ها بین ۲۰ تا ۷۵ سال انتخاب شده است. متغیرهای این پژوهش شامل (اقدامات شورایاری، رضایت مردم از اقدامات شهرداری) به‌عنوان متغیر مستقل و (مشارکت مردمی) به‌عنوان متغیر وابسته می‌باشد. برای بررسی میزان پایایی گویه‌های تحقیق از آماره



آلفای کرونباخ با دامنه ۰ تا ۱ استفاده شده است که میزان آن برای متغیر اقدامات شورایاری ۰/۸۸/۹، رضایت مردم از اقدامات شهرداری ۰/۷۸/۹ و برای متغیر مشارکت مردمی ۰/۹۰/۲ می‌باشد؛ که مؤید روایی و پایایی پرسش‌نامه می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش توصیفی تحلیل‌های آماری از قبیل فراوانی، درصدها و میانگین استفاده گردیده است. در بخش استنباطی، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. همچنین کلیه تحلیل‌های آماری تحقیق با کمک نرم‌افزار SPSS انجام شده است.

### بحث و یافته‌ها

از مجموع ۳۷۹ نفر آزمودنی در پژوهش حاضر، ۶۳/۳٪ مرد و ۳۷/۷٪ زن، ۷۸/۶٪ متأهل و ۲۱/۴٪ مجرد هستند. ۲۱/۴٪ بین ۲۰ تا ۳۰ سال، ۳۳/۸٪ بین ۳۰ تا ۴۰ سال، ۲۰/۳٪ بین ۴۰ تا ۵۰ سال، ۱۴٪ بین ۵۰ تا ۶۰ سال و ۶/۳٪ بین ۶۰ تا ۷۰ سال و ۴/۲٪ ۷۰-۷۵ سال سن دارند. ۷/۷٪ کل پاسخ‌دهندگان زیر دیپلم، ۱۸/۷٪ دیپلم، ۲۸/۲٪ فوق‌دیپلم، ۳۵/۹٪ لیسانس و ۹/۵٪ فوق‌لیسانس و بالاتر می‌باشند. شغل آزمودنی‌ها ۲۸/۵٪ آزاد، ۲۶/۴۸٪ کارمند، ۱۶/۶٪ خانه‌دار، ۱۲/۷٪ بازنشسته، ۷/۴٪ محصل، ۵/۸٪ کارگر و ۲/۶٪ بیکار هستند.

### آمار توصیفی

رضایت ساکنان محله داوودیه نسبت به اقدامات شورایاری: با توجه به جدول (۷) متغیر اقدامات شورایاری دارای ۹ گویه است که گویه سوم با ۳/۱۰ بالاترین میانگین و گویه دوم با ۱/۶۳ پایین‌ترین میانگین است.

جدول شماره ۷- اقدامات شورایاری محله داوودیه

ردیف	گویه	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	میانگین
۱	شورایاری محله تا چه اندازه در برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت بر فعالیت‌های شهرداری نظارت دارد؟	-	۴/۰	۲۸/۸	۴۴/۱	۲۳/۲	۲/۱۳
۲	شورایاری محله چقدر به خواست و نظرات شهروندان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به محله اهمیت می‌دهد؟	-	۱/۱	۱۰/۸	۳۸/۳	۴۹/۹	۱/۶۳
۳	به نظر شما شهرداری برای توسعه محله، چقدر به پیشنهادها شورایاری‌ها، اهمیت می‌دهد؟	۹/۸	۲۴/۸	۳۸/۵	۱۹/۵	۷/۴	۳/۱۰
۴	پیگیری‌های اعضای شورایاری محله به چه میزان موجب افزایش رفاه شما گردیده است؟	۵/۳	۶/۹	۲۳/۷	۳۰/۶	۳۳/۵	۲/۱۹
۵	به نظر شما ساکنین محله‌تان چقدر به اعضای شورایاری اعتماد دارند؟	۲/۱	۶/۱	۳۴/۸	۴۴/۶	۱۲/۴	۲/۴۰
۶	ریش سفیدان و اعضای شورایاری محله تا چه اندازه در حل و فصل اختلافات و دعاوی شهروندان مؤثر هستند؟	۳/۲	۴/۷	۲۴/۳	۴۸/۰	۱۹/۸	۲/۲۳
۷	شورایاری محله، به چه میزان پاسخ‌گوی نیازهای اجتماعی، فرهنگی، خدماتی، عمرانی و ... شما بوده است؟	-	۳/۴	۳۵/۹	۴۲/۷	۱۷/۹	۲/۲۴

۲/۳۵	۱۹/۳	۳۷/۷	۳۲/۷	۸/۴	۱/۸	نقش شورایاری را در ارتباط با شهرداری برای حل مسائل شهروندان چگونه ارزیابی می‌کنید؟	۸
۲/۰۱	۳۲/۲	۳۹/۸	۲۲/۷	۵/۳	-	شورایاری محله به چه میزان در بهبود شرایط زندگی ساکنین محله دخیل است؟	۹

**مشارکت شهروندان در اداره محله:** با توجه به جدول شماره (۸) مشاهده می‌شود که شاخص مشارکت شهروندان از ۵ گویه تشکیل شده است که در این میان گویه (در صورت واگذاری مسئولیت‌های هر محله به ساکنین آن، همسایگان شما چقدر از این موضوع استقبال می‌کنند؟) با میانگین ۳/۲۸ بالاترین امتیاز و گویه (برای اداره محله چقدر از نظر و مشارکت شما استفاده می‌شود؟) با میانگین ۱/۱۷ دارای کم‌ترین رقم می‌باشد.

جدول شماره ۸- مشارکت شهروندان

ردیف	گویه	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	میانگین
۱	شهروندان چقدر بر فعالیت‌های شهرداری و شورایاری محله خود نظارت دارند؟	-	۶/۶	۱۱/۳	۱۷/۷	۶۴/۴	۲/۸۰
۲	تعاملات و برخوردهای محلی ساکنان محله خود را چگونه ارزیابی می‌کنید؟	۴/۰	۲۰/۱	۴۴/۶	۲۵/۳	۶/۱	۱/۶۰
۳	میزان همبستگی مردم در ارتباط با حل مشکلات مربوط به محله را چگونه ارزیابی می‌کنید؟	۴/۵	۲۳/۰	۴۳/۸	۲۴/۸	۴/۰	۲/۹۹
۴	برای اداره محله چقدر از نظر و مشارکت شما استفاده می‌شود؟	-	-	۳/۷	۱۰/۰	۸۶/۳	۱/۱۷
۵	در صورت واگذاری مسئولیت‌های هر محله به ساکنین آن، همسایگان شما چقدر از این موضوع استقبال می‌کنند؟	۱۰/۳	۳۴/۰	۳۴/۳	۱۶/۴	۵/۰	۳/۲۸

**رضایت شهروندان نسبت به اقدامات شهرداری:** در مسیر سنجش شاخص رضایت ساکنان محله داوودیه نسبت به اقدامات شهرداری یک جدول با ۱۴ گویه تدوین شده است، با توجه به این که این متغیر از جمع ۱۴ گویه حاصل می‌شود، می‌توان دریافت نمود کم‌ترین نمره‌ای که ممکن است فردی از این متغیر بگیرد برابر ۱۴ و بیش‌ترین آن برابر ۷۰ می‌باشد. با نگاهی به جدول (۹) مشخص می‌شود که بالاترین میانگین از آن گویه پنجم (توسعه فضاهای آموزشی و فرهنگی محله) و پایین‌ترین میانگین از آن گویه دوم (تأمین امنیت اجتماعی ساکنان محل) می‌باشد.

جدول شماره ۷- اقدامات شهرداری

ردیف	گویه‌ها	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	میانگین
۱	تسهیل در حمل و نقل شهری محله (اتوبوس، مینی‌بوس، تاکسی، مترو و ...)	-	-	۳۷/۷	۴۵/۴	۱۶/۹	۲/۲۰
۲	تأمین امنیت اجتماعی ساکنان محل	۱/۳	۴/۲	۱۵/۳	۴۹/۶	۲۹/۶	۲/۰۶

۲/۷۹	۱۰/۰	۲۶/۹	۳۹/۱	۲۱/۴	۲/۶	توسعه فضای سبز محله (پارک، بوستان و ...)	۳
۳/۲۲	۴/۰	۱۲/۱	۴۷/۵	۳۰/۶	۵/۸	توجه به معماری و فضای کالبدی محله (شکل ظاهری ساختمان‌های محله)	۴
۳/۵۴	۲/۶	۵/۸	۳۶/۹	۴۳/۵	۱۱/۱	توسعه فضاهای آموزشی و فرهنگی محله	۵
۳/۴۴	۲/۱	۷/۹	۲۷/۲	۵۴/۶	۸/۲	جمع‌آوری زباله‌های محله	۶
۲/۲۷	۲۴/۳	۳۴/۰	۳۲/۷	۷/۹	۱/۱	اطلاع‌رسانی نسبت به وظایف شهروندی	۷
۲/۱۹	۲۴/۳	۳۹/۶	۲۸/۵	۷/۷	-	برگزاری هم‌اندیشی‌های محله‌ای و همایش‌های منطقه‌ای مرتبط با مسائل شهروندان	۸
۲/۵۷	۱۲/۹	۳۳/۸	۳۷/۵	۱۴/۵	۱/۳	اصلاح مهندسی معابر محله (دوربرگردان، تعریض خیابان‌ها و ...)	۹
۳/۴۱	۳/۴	۹/۵	۴۰/۱	۳۵/۶	۱۱/۳	نصب تابلوهای شهری، جدول‌کشی معابر و خیابان‌های محله	۱۰
۳/۱۲	۶/۱	۱۷/۴	۴۰/۹	۲۹/۳	۶/۳	تأمین بهداشت محله (درمانگاه، داروخانه و ...)	۱۱
۲/۵۶	۱۶/۹	۳۱/۴	۳۳/۵	۱۴/۲	۴/۰	توسعه امکانات و فضاهای ورزشی در محله	۱۲
۲/۴۸	۱۵/۸	۳۶/۷	۳۳/۰	۱۲/۱	۲/۴	برگزاری کلاس‌های آموزشی	۱۳
۲/۲۳	۳۲/۷	۴۲/۰	۱۸/۷	۴/۷	۱/۸	انتقال آموزش‌های عمومی از طریق بیلبوردها و تهیه بسته‌های آموزشی - فرهنگی	۱۴

تحلیل و بررسی روابط بین متغیرها گام بعدی پژوهش حاضر است که در این مرحله بدان پرداخته می‌شود. به‌منظور بررسی رابطه بین متغیر شکل‌گیری نهاد مدیریت محله‌ای (شورایاری) و افزایش مشارکت مردمی از آزمون پیرسون استفاده شده است. نتایج به‌دست‌آمده از این آزمون به‌صورت جدول (۸) نشان داده شده است. با توجه به جدول موردنظر مشخص شد که میزان  $p$ -value بین دو متغیر شکل‌گیری نهاد مدیریت محله‌ای (شورایاری) و افزایش مشارکت مردمی که مقدار ضریب هم‌بستگی بین دو متغیر برابر با  $۰/۰۲۵$  و با توجه به اینکه سطح معناداری برابر با  $۰/۶۳۰$  و از  $۰/۰۵$  بیش‌تر است، بنابراین فرضیه موردنظر تأیید نمی‌شود.

جدول شماره ۸- بررسی رابطه بین شورایاری و مشارکت مردمی

همبستگی				
مشارکت	شورایاری	نوع آزمون و متغیرهای پژوهش		
		۰/۲۸۹	۱	همبستگی معنادار
۰/۶۳۰	۰	P-value		
۳۷۹	۳۷۹	تعداد		
۱	۰/۰۲۵	همبستگی معنادار	مشارکت	
۰	۰/۶۳۰	P-value		
۳۷۹	۳۷۹	تعداد		

همچنین به منظور بررسی رابطه بین متغیر رضایت مندی مردم از اقدامات شهرداری و مشارکت مردمی از آزمون پیرسون استفاده شده است. نتایج به دست آمده از این آزمون به صورت جدول (۹) نشان داده شده است. با توجه به جدول مورد نظر مشخص شد که میزان  $p$ -value بین دو متغیر رضایت مندی مردم از اقدامات شهرداری و مشارکت مردمی که مقدار ضریب همبستگی بین دو متغیر برابر با  $۰/۰۲۳$  می باشد و با توجه به اینکه سطح معناداری برابر با  $۰/۶۵۴$  و از  $۰/۰۵$  بیش تر است، بنابراین فرضیه مورد نظر تأیید نمی شود جدول (۹).

جدول شماره ۹- بررسی رابطه بین اقدامات شهرداری و مشارکت مردمی

همبستگی				
مشارکت مردمی	اقدامات شهرداری	نوع آزمون و متغیرهای پژوهش		
		$۰/۰۲۳$	۱	همبستگی معنادار
$۰/۶۵۴$	۰	P-value		
۳۷۹	۳۷۹	تعداد		
۱	$۰/۰۲۳$	همبستگی معنادار	مشارکت مردمی	
۰	$۰/۶۵۴$	P-value		
۳۷۹	۳۷۹	تعداد		

### نتیجه گیری

مفهوم مشارکت ارتباط تنگاتنگ و مرتبط با مفهوم شهروندی دارد و نقش مشارکت در توسعه جوامع در کانون توجه برنامه ریزان قرار گرفته و مدل های مختلفی برای آن ارائه گردیده است. مشارکت به عنوان بخشی از سرمایه اجتماعی که پایه ای برای توسعه محله ای محسوب می شود و سعی دارد به وسیله آن کیفیت زندگی مردم محله را بهبود بخشد. توسعه محله ای شامل کلیه مسائل مرتبط با مسکن، توسعه اقتصادی، مشارکت شهروندان، رفاه اجتماعی، احساس امنیت، ارتقاء آموزش و مسائل زیست محیطی است که میان تمامی این عناصر نیز ارتباط متقابلی وجود دارد.

این پژوهش با تأکید بر نقش مشارکت در توسعه محله ای، پس از مطالعه علمی و پیمایشی در محله داوودیه به نتایج زیر دست یافته است:

- مشارکت ضعیف شهروندان در نگاه تحلیلی اول به شیوه نادرست برنامه ریزی در سیستم مدیریت و برنامه ریزی شهری شهرداری تهران برمی گردد که تسلط برنامه ریزی اوزالیدی را توجیه می کند. دوم: عدم بها دادن به شهروندان در سطوح مختلف برنامه ریزی و تصمیم گیری. سوم: مقاومت افراد و سازمان های ذی نفع و ذی نفوذ در برابر جایگزین شدن

برنامه‌ریزی از پایین به بالا به جای برنامه‌ریزی از بالا به پایین. چهارم: عدم آگاهی شهروندان در موضع صاحبان اصلی شهر از حقوق و وظایفشان. پنجم: مقاومت همان ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان از حضور شهروندان در صحنه نظارت تا اجرا.

- مطالعات به دست آمده از اقدامات شهرداری در سطح محله داوودیه نشان می‌دهد که شهرداری منطقه ۳ در رابطه با نصب تابلوهای شهری، جدول‌کشی معابر و خیابان‌های محله، توسعه فضاهای آموزشی و فرهنگی محله، خط‌کشی خیابان‌ها و توجه به شکل ظاهری ساختمان‌های محله از لحاظ معماری و فضای کالبدی خوب عمل کرده و اکثر پاسخ‌گویان از فعالیت‌های صورت گرفته توسط شهرداری در این حوزه‌های زیربنایی - عمرانی رضایت دارند اما در رابطه با توسعه فضای سبز محله، اصلاح مهندسی معابر محله و همچنین توسعه امکانات و فضاهای ورزشی در محله اکثر پاسخ‌گویان نسبت به اقدامات شهرداری رضایت در حد متوسط داشتند. پیرامون اقدامات خدماتی - رفاهی شهرداری، اکثر ساکنین محله از وضعیت بهداشت محله و جمع‌آوری زباله‌ها رضایت داشتند ولی رضایت آن‌ها از وضعیت حمل‌ونقل کم بود. از جمله اموری که شهرداری مناطق مختلف متصدی آن می‌باشند مسائل مربوط به امور فرهنگی - اجتماعی است و اکثر پاسخ‌گویان محله داوودیه، میزان رضایت خود را از اقدامات فرهنگی - اجتماعی همچون برگزاری هم‌اندیشی‌های محله‌ای و همایش‌های منطقه‌ای مرتبط با مسائل شهروندان و اطلاع‌رسانی نسبت به وظایف شهروندی در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند و رضایت آن‌ها نسبت به تأمین امنیت اجتماعی و انتقال آموزش‌های عمومی از طریق بیلبوردها و تهیه بسته‌های آموزشی - فرهنگی از طریق بروشور، پوستر و ... در حد کم و خیلی کم می‌باشد.

- هم‌چنین در تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌توان چنین نتیجه گرفت که اکثریت ساکنان محله داوودیه از اقدامات شورایاری رضایت چندانی ندارند.
- آگاه‌سازی مردم نسبت به وظایف شورایاری‌ها برای پیگیری امور شهروندان و افزایش مشارکت در امور شهری.
- فرهنگ‌سازی برای مشارکت خودجوش سکنه محله.
- زمینه‌سازی نظام‌مند برای تقویت نقش و مشارکت مردم محله بالأخص بانوان، جوانان و نخبگان محلی در طراحی و اجرای طرح‌ها و برنامه‌های توسعه محله و استفاده از برنامه‌های اجتماعی - فرهنگی محله مقیاس.
- مؤثر سازی فعالیت‌های اجتماعی - فرهنگی شهرداری در سطح محله با تفویض اختیار مدیریت بخشی از فعالیت‌های اجتماعی - فرهنگی و اعتبارات مربوطه به شورایاری محله.
- افزایش رضایت مردم و متناسب کردن اقدامات و فعالیت‌های شهرداری با نیازها، توقعات و مطالبات واقعی مردم محله با مشارکت مردم و شورایاری محله در طراحی و اجرای فعالیت‌های محله مقیاس.
- ارتقای سطح کیفیت زندگی و رضایت ساکنین محله از طریق جبران کمبود سرانه‌های شهری، مشارکت مردم در طراحی و اجرای برنامه‌های محلی، کاهش ترافیک معابر، کاهش آلودگی صوتی در مجاورت بزرگراه.
- استفاده از نظر و مشارکت مردم در اداره محله.

## منابع

- ۱- برک پور، ناصر؛ شرفی، مرجان؛ رشیدی فر، فاطمه (۱۳۸۸) مشارکت مردمی در تهیه طرح‌های ساماندهی و توسعه محله‌ای، نمونه موردی: محله امیرآباد- گل‌ها، دو فصل‌نامه‌نامه معماری و شهرسازی، بهار و تابستان ۱۳۸۸، دوره ۲، شماره ۲، صص ۳۵-۵۵.
- ۲- قهرمان پور، میلاد (۱۳۹۳) مدیریت پایدار شهری با تأکید بر مشارکت شهروندان (مطالعه موردی منطقه ۸ تهران)، پایان‌نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، به راهنمایی محمدتقی رضویان، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- ۳- فنی، زهره و صارمی، فرید (۱۳۹۲) رویکرد توسعه پایدار محله‌ای در کلان‌شهر تهران مورد: محله بهار منطقه ۷، جغرافیا و توسعه، بهار ۱۳۹۲، دوره ۱۱، شماره پیاپی ۳۰، صص ۳۵-۵۵.
- ۴- صرافی، مظفر (۱۳۸۳) مقدمه سند کاربردی توسعه محله‌ای، چکیده مقالات همایش توسعه محله‌ای: چشم‌انداز توسعه پایدار شهر تهران، اسفند ۱۳۸۳، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- ۵- تقوایی، مسعود؛ بابا نسب، رسول؛ موسوی، چمران (۱۳۸۸) تحلیلی بر سنجش عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری، مطالعه موردی: منطقه ۴ شهر تبریز، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۹-۳۶.
- ۶- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۰) مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، چاپ دهم، تهران: انتشارات سمت.
- ۷- حسینی، سید علی (۱۳۸۰) روش‌های مشارکت شهروندان در طرح‌های توسعه شهری (شهر رشت)، رساله دوره دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، به راهنمای حسین شکویی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- ۸- حکمت نیا، حسن و موسوی، میر نجف (۱۳۸۵) تحلیل تاریخی از مشارکت شهروندان در اداره امور شهرهای ایران، فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی، دوره ۲۱، شماره ۱، صص ۱۳۶-۱۲۱.
- ۹- حناچی، سیمین و مرادی مسیحی، وراز (۱۳۸۰) شهرسازی مشارکتی: مشارکت مردمی در برنامه‌ریزی و توسعه شهری، وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- ۱۰- خاکپور، براتعلی؛ مافی، عزت‌الله؛ باوان پوری، علیرضا (۱۳۸۸) نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محله‌ای (نمونه: کوی سجادیه مشهد)، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، بهار و تابستان ۱۳۸۸، دوره ۷، شماره ۱۲، صص ۵۵-۸۱.
- ۱۱- رضایی، رحیم و صلاح اصفهانی، گیتی (۱۳۸۷) نگرش مشارکتی شهروندان محلات ۱ و ۱۲ شهرداری تهران نسبت به مدیریت محله، مجموعه مقالات اولین همایش توسعه محله‌ای (۵)، مشارکت مردمی و توسعه محله‌ای (۲)، تهران، صص ۲۳۵-۲۱۶.
- ۱۲- زیاری، کرامت الله (۱۳۸۱) برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری، یزد: انتشارات دانشگاه یزد.
- ۱۳- زیاری، کرامت الله؛ زندوی، سید مجدالدین؛ آقاجانی، محمد؛ مقدم، محمد (۱۳۸۸) بررسی مشارکت شهروندی و نقش آن در مدیریت شهری شهرهای کوچک (نمونه موردی: شهرهای گل‌دار، ورزنه و هیدج)، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، دوره ۷، شماره ۱۳، صص ۲۳۵-۲۱۱.
- ۱۴- میر موسوی، سید علی (۱۳۷۵) مبانی دینی و فرهنگ سیاسی مشارکتی، فصل‌نامه نقد و نظر، تابستان و پاییز ۱۳۷۵، شماره ۷-۸، صص ۹۸-۹۰.
- ۱۵- تیمور نژاد، کاوه؛ مسائلی، فاطمه؛ تاجیک، محمدرضا (۱۳۹۲) نقش مدیریت محله در جلب مشارکت اجتماعی، فصل‌نامه مطالعات مدیریت شهری، تابستان ۱۳۹۲، دوره ۵، شماره ۱۴، صص ۲۵-۱۵.
- ۱۶- حبیبی، سید محسن و سعیدی رضوانی، هادی (۱۳۸۴) شهرسازی مشارکتی، کاوشی نظری در شرایط ایران، فصل‌نامه هنرهای زیبا، زمستان ۱۳۸۴، شماره ۲۴، صص ۲۴-۱۵.
- ۱۷- مافی، عزت‌الله و رضوی، محمدحسن (۱۳۹۱) برنامه‌ریزی استراتژیک توسعه محله‌ای با تأکید بر متغیرهای اجتماعی مطالعه موردی محله طلاب شهر مشهد، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، پاییز ۱۳۹۱، سال ۴، شماره ۱۴، صص ۱۳۰-۱۱۵.

- ۱۸- رفیعیان، مجتبی؛ اسلامی، غلامرضا؛ هود سنی، هانیه (۱۳۸۶) ادراک ذهنی ساکنین محله از فرایند مشارکتی توسعه (نمونه موردی: محله جلفا - تهران)، مجله علوم انسانی، زمستان ۱۳۸۶، سال ۱۵، شماره ۱، صص ۶۸-۵۵
- ۱۹- کاظمیان، غلامرضا (۱۳۹۰) ارزیابی عملکرد مدیریت شهری در پایداری محله‌ای ناحیه دو شهرداری منطقه ۴ تهران (محلله‌های مجیدیه، شمس‌آباد و کالاد)، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، تابستان ۱۳۹۰، دوره ۱۸، شماره ۲۱، صص ۲۸-۷.
- ۲۰- معمار، ثریا (۱۳۹۰) تحلیل جامعه‌شناختی نیازهای اجتماعی و کالبدی محلات شهر از دیدگاه توسعه پایدار محله‌ای (مطالعه محلات شهر اصفهان)، فصل‌نامه مسائل اجتماعی ایران، تابستان ۱۳۹۰، دوره ۲، شماره ۱، صص ۱۳۳-۱۰۷.
- ۲۱- شکوئی، حسین، (۱۳۷۲) جغرافیایی اجتماعی شهرها، اکولوژی اجتماعی شهر، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ۲۲- شهرداری منطقه ۳ تهران، سند راهبردی توسعه محله داوودیه (۹۵-۱۳۹۱).
- ۲۳- علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۹)، الگوی مشارکت شهروندان در اداره شهرها، جلد سوم، تهران: سازمان شهرداری‌ها کل کشور.
- ۲۴- فنی، زهره و صادقی، یالله (۱۳۸۸) توانمندسازی حاشیه‌نشینان در فرآیند بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری، فصل‌نامه جغرافیایی آمایش محیط، زمستان ۱۳۸۸، دوره ۲، شماره ۷، صص ۷۳-۵۷.
- ۲۵- غفاری گیلانده، عطا؛ موسی زاده، چیمین؛ آهنگری، نوید (۱۳۹۳) سطح‌بندی مشارکت‌های شهروندی محله مدار در نظام مدیریت شهری (مطالعه موردی: شهر بوکان)، فصل‌نامه اقتصاد و مدیریت شهری، تابستان ۱۳۹۳، دوره ۲، شماره ۷، صص ۹۹-۸۱.
- ۲۶- قاسمی، وحید؛ اسماعیلی، رضا؛ ربیعی، کامران (۱۳۸۵) سطح‌بندی سرمایه اجتماعی در شهرستان‌های استان اصفهان، فصل‌نامه رفاه اجتماعی، زمستان ۱۳۸۵، دوره ۶، شماره ۲۳، صص ۲۴۸-۲۲۵.
- ۲۷- کاظمیان، غلامرضا؛ حق‌شناس کاشانی، فریده؛ شادمان فر، رضا (۱۳۸۹) بررسی تأثیر الگوی شورایی محلات در مشارکت شهروندان با مدیریت شهری، فصل‌نامه مطالعات مدیریت شهری، پاییز ۱۳۸۹، دوره ۲، شماره ۳، صص ۳۷-۲۳.
- ۲۸- مدنی پور، علی (۱۳۸۳) آیا می‌توان مدیریت و توسعه شهرها را بر پایه محله‌ها بنا نهاد؟، چکیده مقالات همایش توسعه محله‌ای: چشم‌انداز توسعه پایدار شهر تهران، اسفند ۱۳۸۳، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- ۲۹- مرادی (مشاور نیازمند طرح) (۱۳۷۶) توسعه شهری در استان مازندران، مجموعه مقالات چهارمین همایش تخصصی بافت‌های فرسوده شهری، سازمان ملی و مسکن، تهران.
- ۳۰- مطلبی، قاسم (۱۳۸۳) رویکرد انسانی به توسعه پایدار محله‌ای، چشم‌انداز توسعه پایدار شهر تهران، ماه‌نامه شهرداری، شماره ۱۹، صص ۱۸-۲.
- ۳۱- معصومی، سلمان (۱۳۹۰) توسعه محله‌ای در راستای پایداری کلان‌شهر تهران، تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ.
- ۳۲- نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۸۰) الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، فصل‌نامه مدیریت شهری، بهار ۱۳۸۰، سال ۲، شماره ۵، صص ۱۱۳-۱۰۲.

- 33- Momenia, Mostafa. & shamskooshkia, Hannieh. & Javadiana, Marjan. (2011) Application of neighborhoods council associations in sustainable urban management based on citizen participation, international conference on green buildings and sustainable cities, Procedia Engineering, Vol21, pp. 65-71.
- 34- Lenzi, Michela. & Vieno, Alessio. & Pastor, Massimiliano. & Santinello, Massimo. (2013) Neighborhood social connectedness and adolescent civic engagement: an integrative model, Journal of Environmental Psychology, Vol34, pp. 45-54.
- 35- Saeidi, Sanaz. & Oktay, Derya. (2012) Diversity for better quality of community life: evaluations in Famagusta neighbourhoods, AicE-Bs 2011 Famagusta (Asia Pacific International Conference on Environment-Behaviour Studies, Salamis Bay Conti Resort Hotel, Famagusta, North Cyprus, 7-9 December 2011), Procedia - Social and Behavioral Sciences, Vol35, pp.495-504.



- 
- 36- Mcgee, t.k. (2011) Public engagement in neighbourhood level wildfire mitigation and preparedness: case studies from Canada, the Us and Australia, journal of environmental management, volume 92, No10, pp. 2524-2532
- 37- Andrews, Patricia. & Herschel, Richard. (1997) Organizational Communication: Empowerment in a Technological Society, 1 edition, Publisher: Pearson.
- 38- Zokin, S, (1997) the culture of cities, Publisher: Harvest Books.